



به نام خدا

نظریه های فرآیند خط مشی عمومی

نویسنده: پل ای. ساباتیه

برگردان: دکتر حسن دانایی فرد

فصل ۷- چارچوب ائتلاف مدافع

تلخیص: سیده هدی شمس





فصل ۷- چارچوب ائتلاف مدافع

پل ای. ساباتیه کریستوفر ام. ویبل

چارچوب ائتلاف مدافع^۱ نوعی چارچوب (برای فهم) فرایند خط‌مشی است که به وسیله ساباتیه و جنکینز - اسمیت برای پرداختن به مسائل «بغرنج»^{۲*} تدوین شد (مسائلی که ویژگی‌های آنها تعارضات اساسی بر سر هدف، منازعات فنی مهم و بازیگران متعدد از سطوح مختلف دولت است) (هوپ و پیترس^۳ ۱۹۹۳). این چارچوب برخاسته از تجربه چندین دهه ساباتیه در حوزه (ادبیات) اجرا^۴ و علایق هر دو صاحب‌نظر در فهم نقشی که اطلاعات فنی^۵ در فرایند خط‌مشی ایفا می‌کند (ساباتیه ۱۹۸۶؛ جنکینز - اسمیت ۱۹۹۰؛ ساباتیه و جنکینز - اسمیت ۱۹۸۸) بود.

^۱ . Advocacy Coalition Framework

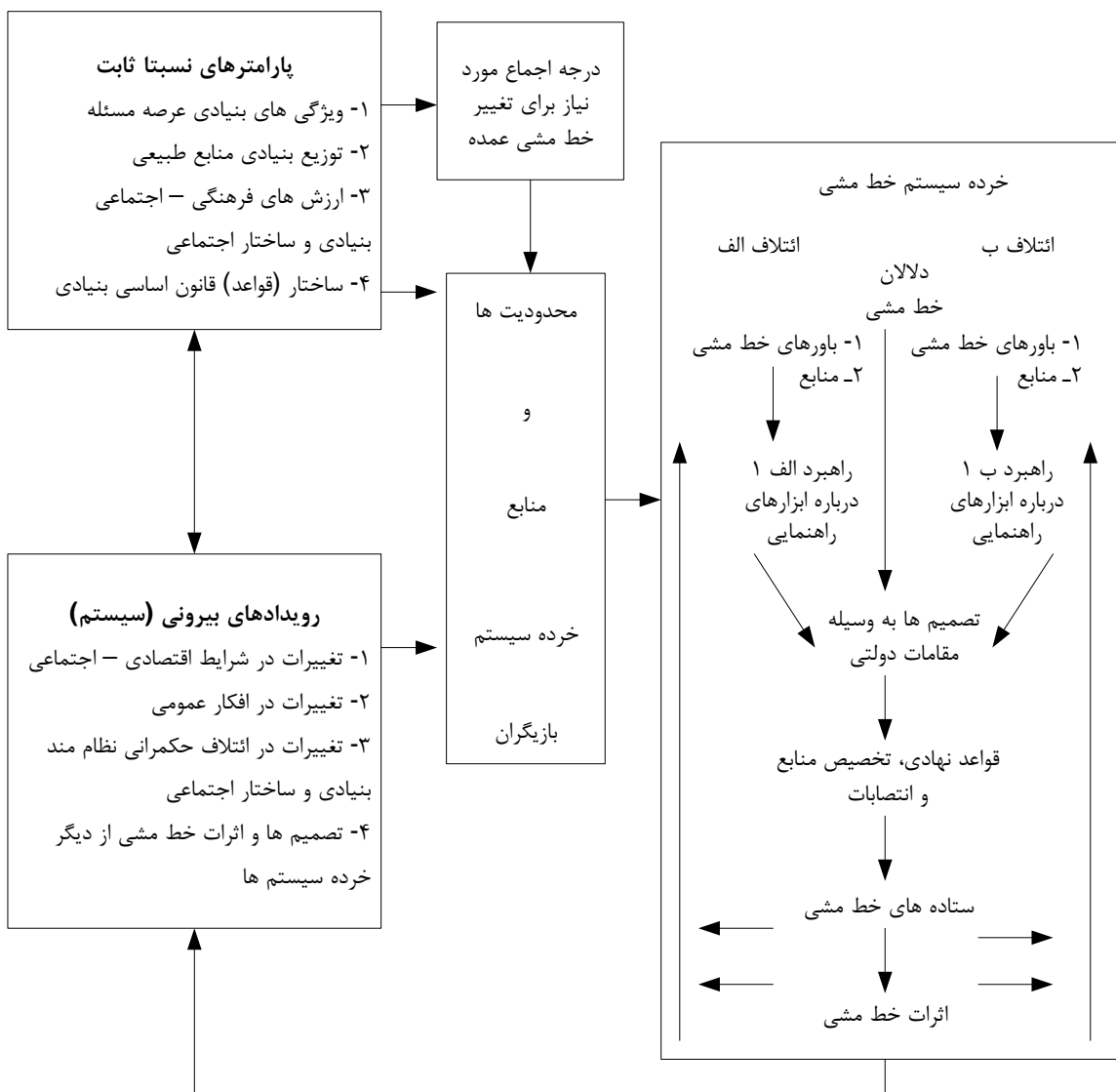
^۲ . Wicked problems

* عبارت مسئله بغرنج عبارتی است که در ابتدا در طرح‌ریزی اجتماعی بریا توصیف مسئله‌ای استفاده شد که به علت استلزامات ناکامل، متناقض و در حال تغییری که غالباً سازماندهی آنها دشوار است، حل آن سخت یا غیرممکن است. Wicked دلالت بر مقاومت در برابر حل دارد. به علاوه به علت وابستگی‌های پیچیده، تلاش برای حل یکی از جنبه‌های مسئله بغرنج ممکن است مسائل دیگری بروز کند یا باعث خلق مسائل دیگر شود (م).

^۳ . Hoppe & Peterse

^۴ . Policy implementation

^۵ . Technical information



شکل ۱-۷: نمودار چارچوب ائتلاف مدافع (۱۹۹۸)



چارچوب ائتلاف مدافع با سه «شالوده بنیادی»^۶ آغاز می‌شود: (۱) این پیش فرض سطح کلان^۷ که بیشتر خط‌مشی‌گذاری‌ها میان متخصصان درون یک خرده‌سیستم خط‌مشی رخ می‌دهد که رفتار آنها متأثر از عوامل موجود در سیستم کلان‌تر سیاسی و اجتماعی - اقتصادی می‌شود؛ (۲) سطح خرد (مدل سطح فرد)^۸ تا حد زیادی برخاسته از روان‌شناسی اجتماعی است، و (۳) این باور سطح میانه^۹ که بهترین راه برای برخورد با چندگونگی بازیگران در یک خرده سیستم، تجمیع آنها درون «ائتلاف‌های مدافع» است. این شالوده‌ها به نوبه خود، بر متغیرهای وابسته ما، تغییر باور و خط‌مشی از طریق دو مسیر بسیار کلیدی یعنی: یادگیری خط‌مشی محور^{۱۰} و تلاطم‌های بیرونی^{۱۱}، تأثیر می‌گذارد.

چارچوب ائتلاف مدافع فرض می‌کند خط‌مشی‌گذاری در جوامع مدرن چنان پیچیده است (از حیث کار ویژه‌ای و همین‌طور حقوقی) که مشارکت‌کنندگان باید متخصص باشند اگر می‌خواهند امیدی به تأثیرگذاری داشته باشند. این تخصص‌گرایی درون خرده‌سیستم‌های خط‌مشی نظیر خط‌مشی آب کالیفرنیا رخ می‌دهد. یک خرده‌سیستم بر اساس بعد کارویژه‌ای‌اش^{۱۲} (برای مثال خط‌مشی آب) و همین‌طور بعد قلمرویی‌اش^{۱۳} (برای مثال کالیفرنیا) توصیف می‌شود (زافونته^{۱۴} و ساباتیه ۱۹۹۸).

چارچوب ائتلاف مدافع فرض می‌کند که مشارکت‌کنندگان خط‌مشی پایبند به انواعی از باورهای قوی‌ای^{۱۵} هستند و در پی آنند تا آنها را به درون خط‌مشی واقعی متجلی سازند. چارچوب ائتلاف مدافع تغییر خط‌مشی را در یک دوره یک یا چند دهه‌ای بررسی می‌کند. همچنین فرض می‌کند که باورهای مشارکت‌کنندگان خط‌مشی در طی

^۶ . Foundation stones
^۷ . Macro – level assumption
^۸ . Micro – level model of individual
^۹ . Meso – level conviction
^{۱۰} . Policy-oriented
^{۱۱} . External perturbations
^{۱۲} . Functional/ substantive dimension
^{۱۳} . Territorial dimension
^{۱۴} . Zafonte
^{۱۵} . Strange beliefs



یک دوره بسیار ثابتند و ایجاد تغییرات اصلی در خط‌مشی بسیار دشوار است. در نتیجه خرده‌سیستم‌های بالغ خط‌مشی^{۱۶} را از خرده‌سیستم‌های نوپا^{۱۷} متمایز می‌سازد. خرده‌سیستم‌های بالغ خط‌مشی دارای مختصات ذیل‌اند (ساباتیه و جنکینز - اسمیت ۱۹۹۵: ۱۳۶-۱۳۵):

- مجموعه‌ای از مشارکت‌کنندگان که خود را به عنوان جامعه‌ای نیمه مستقل^{۱۸} تصور می‌کنند که در یک قلمرو خط‌مشی متخصصند و در پی تأثیرگذاری بر خط‌مشی عمومی در آن قلمرو (برای یک دوره طولانی مدت) هستند.
- مؤسسه‌ها، گروه‌های ذی‌نفوذ و نهادهای پژوهشی که خرده واحدهای متخصص در آن موضوع برای یک دوره طولانی مدت بوده‌اند [۳].

در بیشتر کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^{۱۹}، اکثر خرده‌سیستم‌ها برای دهه‌های متمادی وجود داشته‌اند و بنابراین کاملاً بالغ هستند. در عین حال در طی ۳۰ سال گذشته، خرده‌سیستم‌های محیطی و حفاظت از منافع مصرف‌کننده تقریباً جوان مانده‌اند. به علاوه، در کشورهای در حال توسعه، بسیاری از خرده‌سیستم‌ها به علت بی‌ثباتی سیستم سیاسی کلان‌تر و فقدان پرسنل آموزش دیده در خرده‌سیستم نوپا هستند. برای دیدن مصادیقی از این گونه‌ها، کتاب بوریگ^{۲۰} (۲۰۰۵) در مورد آموزش عالی در موزامبیک را ببینید.

به خاطر وجود خرده‌سیستم‌های هم‌پوش و آشیانه‌ای (تودرتو)^{۲۱} تعیین قلمرو مناسب برای یک خرده‌سیستم نیز پیچیده است. مشخص کردن قلمرو مناسب یک خرده‌سیستم یکی از مهم‌ترین جنبه‌های پروژه پژوهشی چارچوب ائتلاف مدافع است. قاعده بنیادی می‌بایست چنین باشد: «تمرکز بر قلمرو کار ویژه‌ای (جوهری) و

^{۱۶} . Mature policy subsystem

^{۱۷} . Nascent subsystem

^{۱۸} . Semi-autonomous community

^{۱۹} . OECD

^{۲۰} . Beverwijk

^{۲۱} . Nested subsystem



جغرافیایی نهادهایی که تعامل را ساختار می‌دهند». برای مثال، وقتی زافونته و ساباتیه (۲۰۰۴) در تلاش بودند تا تعیین کنند آیا خرده‌سیستم خودکار کنترل آلودگی اتومبیل موجود در آمریکا تا حد زیادی مستقل از «خرده‌سیستم کلان‌تر کنترل آلودگی هوا»، است یا خیر دریافتند که آلودگی هوای اتومبیل عنوان مجزایی در قانون هوای پاک آمریکا، یک خرده دفتر بسیار بزرگ درون مؤسسه حفاظت محیطی آمریکا، یک خرده واحد بسیار بزرگی درون هیئت منابع هوای کالیفرنیا، گروه‌های ذی‌نفع بسیار مختلفی از حیث نوع صنعت و گروه‌های تا حدی مختلف از حیث محیطی، یک جامعه پژوهشی کاملاً بارز و یک جامعه خط‌مشی کاملاً متفاوت، دارد. در نتیجه، آنها احساس می‌کردند جداسازی کنترل آلودگی اتومبیل به عنوان یک خرده‌سیستم از خرده‌سیستم بزرگتر کنترل آلودگی هوای آمریکا کاملاً توجیه‌پذیر است. بخش اعظم خط‌مشی‌گذاری درون خرده‌سیستم‌های خط‌مشی رخ می‌دهد و مستلزم مذاکراتی میان متخصصان است. در عین حال رفتار مشارکت‌کنندگان خط‌مشی درون خرده‌سیستم متأثر از دو مجموعه از عوامل بیرونی، یکی نسبتاً ثابت و دیگری نسبتاً قوی است (شکل ۱-۷ را ببینید). پارامترهای نسبتاً ثابت شامل ویژگی‌های بنیادی مسئله^{۲۲} (برای مثال تفاوت بین آب‌های سطحی و زیرزمینی)، توزیع بنیادی منابع طبیعی^{۲۳}، ارزش‌ها و ساختار اجتماعی - فرهنگی^{۲۴} بنیادی و ساختار بنیادی قانون اساسی^{۲۵} است. این عوامل بیرونی ثابت، به ندرت درون دوره‌های یک دهه‌ای تغییر می‌کنند، در نتیجه به ندرت محرکی برای تغییر رفتاری یا تغییر خط‌مشی درون سیستم خط‌مشی فراهم می‌کنند. چارچوب ائتلاف مدافع بر این فرضیه متمرکز است که تغییر در یکی از این عوامل پویا، شرط ضروری برای تغییر عمده در خط‌مشی است.

^{۲۲} . Basic attributes of the problem

^{۲۳} . Basic distribution of natural resources

^{۲۴} . Fundamental sociocultural values and structure

^{۲۵} . Basic constitutional structure



مدل فرد و سیستم‌های باور. چارچوب ائتلاف مدافع از چارچوب انتخاب عقلایی از حیث نوع مدلش از فرد متفاوت است (ساباتیه و اشلاگر^{۲۶}؛ ۲۰۰۰؛ اشلاگر ۱۹۹۵). اگر چه چارچوب‌های انتخاب عقلایی^{۲۷} فرض می‌کنند بازیگران منفعت‌طلب^{۲۸} عقلاً در پی منافع نسبتاً ساده مادی هستند، ولی چارچوب ائتلاف مدافع فرض می‌کند که باورهای هنجاری^{۲۹} باید به صورت تجربی معلوم شوند و امری پیش‌بینی نیستند که مانع احتمال رفتار نوع‌دوستانه^{۳۰} شوند. در حقیقت، این چارچوب به تبع مارچ و السن (۱۹۹۶) سیستم‌های دوگانه استدلال هنجاری^{۳۱} را تصدیق می‌کند: «منطق پیامدها»^{۳۲*} که در آن رفتار درست به معنای تبعیت از قواعد است و «منطق پیامدها»^{۳۳} که در آن رفتار درست مستلزم حداکثرسازی پیامدهای خوب است [۴]. این نکته، تعارض کلاسیک بین جامعه‌شناسان و اقتصاددانان است. چون هر منطق از مقدمات اساساً متفاوت آغاز می‌شود، این امر عاملی برای تشدید کاهش مصالحه بین آن دو است.

چارچوب ائتلاف مدافع بر دشواری تغییر باورهای هنجاری و تمایل بازیگران به پیوند با جهان از طریق مجموعه‌ای از پالایشگرهای ادراکی^{۳۴} مرکب از باورهای از قبل موجود است، که تغییر آنها دشوار است (لورد، روس و لپر^{۳۵}؛ ۱۹۷۹؛ مانرو و دیتو^{۳۶}؛ ۱۹۹۷؛ مانرو و همکاران ۲۰۰۲). در نتیجه، بازیگران از ائتلاف‌های مختلف احتمالاً اطلاعات مشابه را به طرقی مختلف برداشت می‌کند و منجر به بی‌اعتمادی می‌شود. چارچوب ائتلاف

^{۲۶} Schlager .

^{۲۷} . Rational choice frameworks

^{۲۸} . Self-interest

^{۲۹} . Normative beliefs

^{۳۰} . Altruistic behavior

^{۳۱} . Normative reasoning

^{۳۲} . Logic of appropriateness

* منطق مناسبت‌نگاهی است که مدعی است کنش انسان‌ها بر قواعد رفتار مناسب درون نهادها استوار است چون قواعد طبیعی، مورد انتظار و مشروع هستند از این رو رعایت می‌شوند. در واقع در این نظریه تصمیم‌ها در پرتو همسازی راه‌حل‌ها، نقش‌ها و قواعد اتخاذ می‌شوند. به عبارت دیگر این نظریه مبنایی برای تصمیم‌گیری تعریف می‌کند که بر هنجارهای اجتماعی استوار است تا محاسبات هزینه - منفعت. مقاله ذیل را بخوانید (م):

James G. Mareh, Johan P. Olsen (2006). The logic of appropriateness. Available at: [https:// www.sv.uio.no](https://www.sv.uio.no).

^{۳۳} . Logic of consequences

^{۳۴} . Perceptual filters

^{۳۵} . Lord, Ross & Lopper

^{۳۶} . Munro & Ditto



مدافع یک فرضیه کلیدی از نظریه چشم‌داشت^{۳۷*} عاریه می‌گیرد (کواترون و ورسکی^{۳۸} ۱۹۸۸) و آن این‌که: بازیگران برای ضررها بیشتر ارزش قائلند تا عایدی‌ها. رهنمود ضمنی آن است که افراد شکست‌ها را بیشتر از پیروزی‌ها به خاطر می‌آورند.

چارچوب ائتلاف مدافع بر اساس ادبیات سیستم باور مشارکت‌کنندگان خط‌مشی، (مارچ و سایمون ۱۹۵۸؛ پاتنم^{۳۹} ۱۹۷۶؛ پفلی و اوروایتز^{۴۰} ۱۹۸۵) نوعی ساختار سلسله‌مراتبی سه‌لایه‌ای را مفهوم‌سازی می‌کند [۵]. در کلان‌ترین سطح، «باورهای هسته‌ای»^{۴۱} عمیق وجود دارد که در بیشتر سیستم‌های خط‌مشی وجود دارند. باورهای هسته‌ای عمیق به پیش‌فرض‌های هستی‌شناسانه و هنجاری بسیار کلی در مورد ماهیت انسان، اولویت نسبی ارزش‌های بنیادی نظیر آزادی و برابری، اولویت نسبی رفاه گروه‌های مختلف، نقش صحیح‌تر دولت در برابر بازار (به طور کلی) و همین‌طور به مشارکت‌کنندگان در تصمیم‌گیری دولتی اشاره دارد. افکار چپ و راست سنتی در سطح هسته‌ای عمیق قرار می‌گیرند. باورهای هسته‌ای عمیق تا حد زیادی محصول جامعه‌پذیری دوران کودکی هستند و در نتیجه، تغییر آنها دشوار است.

در سطح بعدی، «باورهای هسته‌ای خط‌مشی»^{۴۲} وجود دارند. این باورها کاربردهای باورهای هسته‌ای عمیق هستند که کلیت یک خرده‌سیستم خط‌مشی را تحت پوشش قرار می‌دهند (برای مثال خط‌مشی آب کالیفرنیا). ساباتیه و جنکینز - اسمیت (۱۹۹۹) یازده عنصر باورهای هسته‌ای خط‌مشی را تعریف می‌کنند که عبارتند از اولویت ارزش‌های مختلف مرتبط با خط‌مشی را تعریف می‌کنند که عبارتند از اولویت ارزش‌های مختلف مرتبط

^{۳۷} . Prospect theory

* نظریه چشم‌داشت نوعی نظریه اقتصاد رفتاری است که مسیری که از آن طریق افراد بین بدیل‌های احتمالی (که مستلزم ریسک است و ره‌آوردهای آنها مشخص هستند) دست به انتخاب می‌زنند را بیان می‌کند. این نظریه مدعی است که افراد بر اساس ارزش بالقوه ضررها و عایدی‌ها، نه ره‌آورد نهایی، دست به انتخاب می‌زنند و این که افراد این ضررها و عایدی‌ها را با استفاده از روش‌های ابتکاری خاص ارزشیابی می‌کنند (م).

^{۳۸} . Quattrone & Tversky

^{۳۹} . Putnam

^{۴۰} . Peffley & Hurwitz

^{۴۱} . Deep core beliefs

^{۴۲} . Policy core beliefs



با خط‌مشی، مضمولین رفاه، حق فرمانرانی^{۴۳} نسبی دولت‌ها و بازارها، نقش‌های صحیح‌تر عامه مردم به طور کلی، مقامات منتخب، مستخدمان کشوری، خبرگان و جدیت نسبی مسائل خط‌مشی و علل آن در خرده‌سیستم به عنوان یک کلیت. پیش فرض کلی این است که مشارکت‌کنندگان خط‌مشی در باب روابط درون خرده‌سیستم خط‌مشی خود بسیار مطلع هستند و در نتیجه ممکن است میل به سرمایه‌گذاری تلاش‌های خود برای به کارگیری «باورهای هسته‌ای» عمیق خاص جهت شکل‌دهی «باورهای هسته‌ای» خط‌مشی در آن خرده‌سیستم داشته باشند. در عین حال، همیشه نوعی تناظر یک به یک بین «باورهای هسته‌ای عمیق» و باورهای هسته‌ای خط‌مشی وجود ندارد. برای مثال، اگر چه محافظه‌کاران عموماً قویاً راه‌حل‌های بازار را مرجح می‌دانند ولی برخی از آنها شکست معنی‌دار بازار را (برای مثال عوارض جانبی^{۴۴}) برای نمونه در مسائل آلودگی آب را تصدیق می‌کنند و در نتیجه میل به حمایت از مداخله‌های دولتی^{۴۵} بیشتر در این عرصه (در مقایسه با دیگر عرصه‌های خط‌مشی) دارند. چون «باورهای هسته‌ای خط‌مشی» از حیث قلمرو در سراسر خرده‌سیستم قرار دارند و با انتخاب خط‌مشی بنیادی سروکار دارند، تغییر آنها نیز دشوار است.

در عین حال، عملیاتی‌سازی بسیاری از عناصر «باورهای هسته‌ای خط‌مشی» را تا حد ممکن توصیه کردیم زیرا تقسیم‌های فرعی درون ائتلاف‌ها یا احتمال ائتلاف سوم غالباً به وسیله عدم توافق میان دیگر عناصر «باورهای هسته‌ای خط‌مشی» تبیین می‌شود.

چارچوب ائتلاف مدافع این نوع باور را «ترجیحات خط‌مشی هسته‌ای خط‌مشی»^{۴۶} نامیده است (ساباتیه ۱۹۹۸؛ ساباتیه و جنکینز - اسمیت ۱۹۹۹). «ترجیحات خط‌مشی هسته‌ای خط‌مشی»، باورهایی هستند که (۱) از حیث قلمرو در سراسر خرده‌سیستم قرار دارند (۲) بسیار برجسته‌اند و (۳) در برخی زمان‌ها، مأخذ اصلی شکاف و اختلافند» (ساباتیه و جنکینز - اسمیت ۱۹۹۹: ۱۳۴). «ترجیحات خط‌مشی هسته‌ای خط‌مشی»، باورهای

^{۴۳} . Relative authority

^{۴۴} . Externalities

^{۴۵} . Governmental intervention

^{۴۶} . Policy core policy preferences



هنجاری هستند که تصویر ذهنی^{۴۷} این که خرده سیستم خط مشی چگونه باید باشد را ترسیم می کنند، چشم انداز رفتار استراتژیک ائتلاف را راهنمایی و به وحدت متحدان و پراکنده کردن مخالفان کمک می کنند.

ائتلاف های مدافع. همزمان با رشد ادبیات شبکه خط مشی و تصدیق رشد اهمیت روابط بین شخصی برای

تبیین رفتار انسان (هاولت ۲۰۰۲؛ گرانوونز^{۴۸} ۱۹۸۵؛ پرون و میلوارد^{۴۹} ۱۹۹۵؛ اشنایدر و همکاران ۲۰۰۳؛ تاچر ۱۹۹۸) چارچوب ائتلاف مدافع پیش بینی می کند که رفتار و باورهای ذی نفع درون شبکه های غیررسمی مستتر هستند و این که خط مشی گذاری تا حدی به وسیله شبکه ها میان مشارکت کنندگان مهم خط مشی ساختاردهی می شود. چارچوب ائتلاف مدافع فرض می کند که مشارکت کنندگان خط مشی تلاش می کنند تا عناصر سیستم های باورشان را درون خط مشی واقعی برگردانند قبل از این که مخالفان بتوانند همان کار را انجام دهند.

مدل چارچوب ائتلاف مدافع از فرد، رهنمودهای ضمنی مهمی برای تغییر باور و خط مشی درون یک خرده سیستم دارد. به طور خاص، اهمیت پالایشگرهای ادراکی و تخریب مخالفان، تعارض و بی اعتمادی را میان ائتلاف ها و «گروه اندیشی»^{۵۰} را درون ائتلاف ها تشدید می کند (جنیس^{۵۱} ۱۹۷۲). در نتیجه بسیار بعید است که اعضای یک ائتلاف داوطلبانه، «باورهای هسته ای خط مشی» را تغییر دهند.

نسخه ۱۹۹۹ چارچوب ائتلاف مدافع دو مسیر برای تغییر باورها و خط مشی را مشخص کرد: یادگیری خط مشی محور و تلاطم های بیرونی. در نتیجه یکی از مقدمات برای تغییر خط مشی درجه تغییر باور میان برخی از مشارکت کنندگان یا جایگزینی یک ائتلاف غالب به وسیله یک ائتلاف اقلیت است. در میان این خطوط، ساباتیه و جنکینز - اسمیت (۱۹۹۹) بین تغییر خط مشی عمده (تغییرات در «باورهای هسته ای خط مشی») و تغییر

^{۴۷} . Image

^{۴۸} . Grannovater

^{۴۹} . Provan & Milward

^{۵۰} . Group thinking

^{۵۱} . Janis



خطمشی جزئی (تغییرات در باورهای ثانویه) تمایز قائل شده‌اند. اثرات یادگیری خطمشی محور، و تلاطم‌های بیرونی در تغییر باور و خطمشی ذیلاً برجسته می‌شوند.

یادگیری خطمشی محور. چارچوب ائتلاف مدافع، یادگیری خطمشی محور را به عنوان «تناوب‌های نسبتاً پایدار اندیشه یا ثبات رفتاری تعریف می‌کند که منبث از تجربه و یا اطلاعات جدید است و این که دغدغه، تحقق یا بازبینی اهداف خطمشی است» (ساباتیه و جنکینز - اسمیت ۱۹۹۹: ۱۲۳).

ظرفیت یادگیری خطمشی محور برای ایجاد تغییر در باور و خطمشی بر اساس سیستم باور چارچوب ائتلاف مدافع متغیر، فرضیه‌سازی شده است. «باورهای هسته‌ای عمیق» و «باورهای هسته‌ای خطمشی» (هنجاری‌تر بودن) در برابر تغییر در پاسخ به اطلاعات جدید بسیار مقاوم هستند. از طرف دیگر، باورهای ثانویه در برابر یادگیری خطمشی محور آسیب‌پذیرتر فرضیه‌سازی شده‌اند زیرا قلمرو نسبتاً محدود مستلزم قرائن و تغییر باور کمتر میان افراد کمتر (معدودتر) است. برای مثال، تغییر برداشت‌های افراد از علل آلودگی هوا در لس‌آنجلس در ایالات متحده آمریکا به عنوان یک کلیت ساده‌تر است. در حالی که تلاطم‌های بیرونی می‌تواند منجر به تغییرات شتابان در ساختار خرده‌سیستم و «باورهای هسته‌ای خطمشی» به صورت انفرادی شود، یادگیری خطمشی محور ممکن است ده سال یا بیشتر طول بکشد و اثر بزرگ‌تری بر باورهای ثانویه دارد که نسبت به «باورهای هسته‌ای خطمشی»

شوک‌ها یا تلاطم‌های خارجی (بیرونی). مهم‌ترین اثر شوک خارجی، بازتوزیع منابع یا باز و بسته کردن مراکز چانه‌زنی تغییر خطمشی‌ها درون یک خرده‌سیستم خطمشی است که می‌تواند منجر به جایگزینی یک ائتلاف اقلیتی به جای ائتلاف از قبل غالب شود (ساباتیه و جنکینز - اسمیت ۱۹۹۳). شوک‌های بیرونی ممکن است عناصر تغییر «باورهای هسته‌ای خطمشی» یک ائتلاف مدافع غالب را نیز تغییر دهند.



این بخش سه نکته مهم اضافه شده به چارچوب ائتلاف مدافع را از سال ۱۹۹۹ در قالب (۱) بستری که درون آن ائتلافها عمل می کنند، (۲) گونه شناسی منابع و (۳) دو مسیر برای تغییر عمده خط مشی، مورد بحث قرار می دهد.

یکی از انتقاداتی که همواره علیه چارچوب ائتلاف مدافع مطرح می شود آن است که این چارچوب محصول پیشینه های تجربی اش در نظام تکثرگرایی آمریکایی است و تا حد زیادی بر پیش فرض های ضمنی ای نظیر گروه های ذی نفوذ خوب سازمان دهی شده، مؤسسه های مأموریت گرا^{۵۲}، احزاب سیاسی ضعیف، محافل تصمیم گیری چندگانه و نیاز به ابر اکثریتها (اکثریت واجد شرایط)^{۵۳*} برای وضع و اجرای تغییر عمده در خط مشی استوار است. در عین حال، این پیش فرضها با رژیم های شرکت سالار دارای الگوهای مشارکت محدود، ساختارهای تصمیم بلند پایدار و قواعد تصمیم اجماعی به نحو ای ضعیف متناسب است.

نمودار اصلی و اولیه چارچوب ائتلاف مدافع دو مجموعه متغیر بیرونی برای خرده سیستم خط مشی دارد:

(۱) پارامترهای ثابت سیستم (نظیر ساختار اجتماعی و قانون اساسی و منابع طبیعی که صرفاً در حد بسیار کند تغییر می کنند) و (۲) رویدادهای بیرونی (نظیر افکار عمومی و جابجاشدگی اقتصادی^{۵۴} که غالباً در طی یک دهه تغییر می کند و به عنوان شرایط ضروری برای تغییر عمده در خط مشی فرضیه سازی می شوند). هر دوی این مجموعه عوامل بر منابع و محدودیت های بازیگران خرده سیستم تأثیر می گذارند که به نوبه خود بر خط مشی گذاری درون خرده سیستم تأثیر می گذارند. ما خلق نوعی طبقه جدید متغیرها به عنوان «ساختارهای فرصت ائتلاف» را پیشنهاد می دهیم تا بین پارامترهای ثابت سیستم و خرده سیستم نقش میانجی گری ایفا کنند.

^{۵۲} . Mission – oriented agencies

^{۵۳} . Super majorities

* بیشتر از ۵۰ درصد رأیها را در اختیار دارند (م).

^{۵۴} . Economic dislocation



ما تا حد زیادی در باب «ساختارهای فرصت سیاسی»^{۵۵} از ادبیات اروپایی عاریه می‌گیریم (کریسی و همکاران ۱۹۹۵؛ مک آدام، مک کارتی و زالد^{۵۶}؛ کوبلر ۲۰۰۰). ساختارهای فرصت اشاره به ویژگی‌های نسبتاً پایدار یک حکومت دارد که بر منابع و محدودیت‌های بازیگران خرده‌سیستم تأثیر می‌گذارد. ما به عواملی توجه داریم که قویاً منابع و رفتار ائتلاف‌های مدافع را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

۱. درجه اجماع مورد نیاز برای تغییر عمده در خط‌مشی. به طور کلی، هر چه درجه اجماع مورد نیاز بیشتر باشند، ائتلاف‌ها، مشوق‌های همه‌گیری بیشتری (تا مستثنی‌سازی از حیث اعضاء) را دارا هستند و مصالحه را جستجو و اطلاعات را با مخالفان خصوصاً برای حداقل کردن بد جلوه دادن مخالفان تسهیم کنند.

۲. درجه باز بودن سیستم سیاسی. این متغیر تابع دو متغیر است: (۱) تعداد محافل تصمیم‌گیری^{۵۷} که هر پیشنهادیه خط‌مشی^{۵۸} عمده‌ای باید از آنها مصوبه بگیرد (۲) در دسترس بودن هر کدام از محافل. برای مثال کشورهایی نظیر آمریکا با تفکیک قوا و حکومت‌های بسیار قدرتمند و دولت‌های منطقه‌ای، محافل‌های تصمیم‌گیری متعددی را خلق می‌کنند.

شکل ۲-۷ خلاصه‌ای از اثر ممکن ساختارهای فرصت ائتلاف در چارچوب مفهومی کلی را فراهم می‌کند. اثر اصلی از طریق برگرداندن پارامترهای نسبتاً ثابت درون محدودیت‌های خاص تر و منابع مؤثر بر خط‌مشی‌گذاری در بلندمدت محقق می‌شود. ساختارهای فرصت ائتلاف همچنین بر منابع و محدودیت‌های کوتاه مدت نیز تأثیر می‌گذارند.

^{۵۵} . Political opportunity
^{۵۶} . McAdam, McCanthy & Zald
^{۵۷} . Decision making venues
^{۵۸} . Policy proposal



جدول ۱-۷: گونه‌شناسی ساختارهای فرصت ائتلاف

درجه اجماع مورد نیاز برای تغییر عمده در خط‌مشی			باز بودن سیستم
پایین	متوسط	بالا	
	متکثر	متکثر	بالا
	پارلمانی	شرکت سالار اخیر	متوسط
دولت اقتدارگرا		شرکت سالار سنتی	پایین

از ابتدای شکل‌گیری چارچوب ائتلاف مدافع نمودارهای ذیل که خرده‌سیستم خط‌مشی و عوامل بیرونی را نشان می‌دهد، همیشه ائتلاف‌های مدافع را دارای (۱) باورهای خط‌مشی و (۲) منابع، ترسیم کرده‌اند. بیشتر پژوهش‌های بعدی بر محتوای سیستم‌های باور متمرکز بوده‌اند ولی در عمل هیچ کدام بر منابع ائتلاف تأکید نداشته‌اند. سول (۲۰۰۵) در به کارگیری چارچوب ائتلاف مدافع از نوعی گونه‌شناسی منابع سیاسی عاریه گرفته شده از کلمن (۱۹۸۷) استفاده می‌کند. ذیلاً نوعی گونه‌شناسی از منابع مرتبط با خط‌مشی ارائه می‌کنیم که مشارکت‌کنندگان خط‌مشی می‌توانند در تلاش‌هایشان برای تحت تأثیر قرار دادن خط‌مشی عمومی استفاده کنند.

الف. اختیار رسمی - قانونی برای اتخاذ تصمیم‌ها

ب. افکار عمومی

ج. اطلاعات

د. نیروهای قابل بسیج



ه. منابع مالی

و. رهبری ماهرانه^{۵۹}

نسخه اصلی چارچوب ائتلاف مدافع به شوک‌های خارجی اعمالی بر یک خرده‌سیستم به عنوان علت ضروری تغییر عمده در خط‌مشی تأکید داشت (ساباتیه و جنکینز - اسمیت ۱۹۸۸). مثال آن می‌تواند تأثیر انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ بر خط‌مشی آلودگی به علت توقف صدور نفت و انتخاب رونالد ریگان به عنوان رئیس جمهور آمریکا باشد. منطق بنیادی آن است که تغییر عمده درون یک خرده‌سیستم تا حد زیادی به علت نقاط کور ادراکی^{۶۰} و بد جلوه دادن مخالفان غیرممکن است. شوک خارجی محرکی برای تغییر ایجاد می‌کند که در مقام تعریف تا حدی خارج از کنترل بازیگران خرده‌سیستم است.

برهان‌های ما برای اهمیت شوک‌های داخلی و همین‌طور خارجی تا حدی بر خرده‌مایه‌های مندرج در ادبیات «رویدادهای برجسته»^{۶۱} استوار است (کینگدون ۱۹۹۵، بیرکلند ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ و ۲۰۰۴). برای مثال بیرکلند استدلال می‌کند که رویدادهای برجسته توجه عامه را جلب می‌کنند؛ آسیب‌پذیری، شکست‌ها یا غفلت‌های خط‌مشی را برجسته می‌کنند؛ و اطلاعات جدیدی را در آن فرآیند خط‌مشی تزریق می‌کنند. این امر پتانسیل تعادل میان مشارکت‌کنندگان خط‌مشی را به هم می‌زند و پتانسیل تغییر عمده در خط‌مشی را فراهم می‌کند. نسخه جدید چارچوب ائتلاف مدافع تأیید می‌کند که شوک‌های داخلی عمده می‌تواند از درون یک خرده‌سیستم خط‌مشی رخ دهد و می‌تواند منجر به تغییر عمده در خط‌مشی شود.

۱. شوک‌های داخلی و خارجی منابع سیاسی کلیدی را بازتوزیع می‌کنند.

^{۵۹} . Skillful leadership
^{۶۰} . Perceptual blinders
^{۶۱} . Focusing events



۲. شوک‌های داخلی باورهای هسته‌ای خط‌مشی در ائتلاف (های) مدافع اقلیت را تأیید و تردید درون ائتلاف غالب را افزایش می‌دهند.

به طور واضح موقعیت‌هایی وجود دارد (نظیر لیک تا هور در دهه ۱۹۸۰) (ساباتیه و پل کی ۱۹۹۰) که در آنها ائتلاف‌ها برای رسیدن به نوعی توافق مذاکره شده برای ایجاد یک تغییر در وضع موجود برای دهه‌ها مبارزه کرده‌اند. اگر چارچوب ائتلاف مدافع می‌بایست در مطالعه نهادهای جمعی و رژیم‌های شرکت‌سالار به کار رود، باید طوری اصلاح شود که شرایطی که تحت آن (در غیاب یک تلاطم داخلی و خارجی عمده) توافقات مستلزم تغییرات در هسته اصلی خط‌مشی میان ائتلاف‌های متخاطم طراحی شده، را نشان دهد.